

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وزارت علوم تحقیقات و فناوری



وزارت علوم تحقیقات و فناوری

دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (ره)

دانشکده علوم انسانی

گروه علوم سیاسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

رشته علوم سیاسی

عنوان

بررسی تطبیقی مدل دموکراسی لیبرال و مردم سالاری دینی در نظارت بر قدرت؛ مطالعه موردی، جمهوری

اسلامی ایران، ۹۷-۵۷

استاد راهنما

دکتر حسن رضا آریایی راد

استاد مشاور

دکتر اسحاق صیاد رودکار

دانشجو

سید علی حسینی احمدفداله

شهریور ۱۳۹۸

تقدیم به شهدا

با درود فراوان به روح پر فتوح پدر بزرگوارم

و سپاس بیکران بر همدلی و همراهی و همگامی مادر دلسوز و مهربانم که سجده ی ایثارش گل محبت را در وجودم پروراند و دامان گهربارش لحظه های مهربانی را به من آموخت.

تعهد نامه

عنوان پایان نامه: بررسی تطبیقی مدل دموکراسی لیبرال و مردم سالاری دینی در نظارت بر قدرت؛ جمهوری اسلامی ایران، ۹۷-۵۷ اینجناب سید علی حسینی احمدفداله دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آیت ا... العظمی بروجردی (ره) تحت راهنمایی جناب دکتر حسن رضا آریایی راد

متعهد می شوم: نتایج ارائه شده در این پایان نامه حاصل مطالعات علمی و عملی اینجناب بوده، مسئولیت صحت و اصالت مطالب مندرج را به طور کامل بر عهده می گیرم.

- در خصوص استفاده از نتایج پژوهشهای محققان دیگر به مرجع مورد نظر استناد شده است.
- مطالب مندرج در این پایان نامه را اینجناب یا فرد دیگری به منظور اخذ هیچ نوع مدرک یا امتیازی تاکنون به هیچ مرجعی تسلیم نکرده است.
- کلیه حقوق معنوی این اثر به دانشگاه آیت ا... العظمی بروجردی (ره) تعلق دارد. مقالات مستخرج از پایان نامه، ذیل نام دانشگاه آیت ا... العظمی بروجردی (ره) به چاپ خواهد رسید.
- حقوق معنوی تمام افرادی که در به دست آمدن نتایج اصلی پایان نامه تاثیر گذار بوده اند در مقالات مستخرج از رساله رعایت خواهد شد.

نام وامضای دانشجو

سید علی حسینی احمدفداله

مالکیت نتایج و حق نشر

- ❖ کلیه حقوق معنوی این اثر و محصولات آن (مقالات مستخرج، برنامه های رایانه ای، نرم افزارها و تجهیزات ساخته شده) به دانشگاه آیت ا... العظمی بروجردی (ره) تعلق دارد و بدون اخذ اجازه کتبی از دانشگاه قابل واگذاری به شخص ثالث نیست.
- ❖ استفاده از اطلاعات و نتایج این پایان نامه بدون ذکر مرجع مجاز نیست.

تقدیر و تشکر

با تقدیر و تشکر شایسته از اساتید فرهیخته و فرزانه جناب آقای دکتر حسن رضا آریایی راد(استاد راهنما) و جناب آقای دکتر اسحاق صیاد رودکار(استاد مشاور) که با نکته های دلاویز و گفته های بلند ، صحیفه های سخن را علم پرور نمودند و همواره راهنما و راه گشای نگارنده در اتمام و اکمال پایان نامه بودند.

معلمان مقامت ز عرش برتر باد همیشه توسن اندیشه ات مظفر باد.

چکیده

قدرت سیاسی و مکانیزم های کنترل آن از مهم ترین موضوعاتی است که در طول تاریخ مورد توجه اندیشمندان علوم انسانی بوده است و این امر نیز در طی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ رنگ و بوی جدیدی به خود گرفت از آنجایی که قدرت سیاسی مانند یک شمشیر دو لبه می ماند و می تواند از یک سو ضامن تحقق آزادی امنیت عدالت و برابری باشد و از سوی دیگر می تواند بزرگترین سالب حقوق مذکور باشد لذا این مهم در گرو کنترل و مهار قدرت سیاسی است. به طور کلی نظارت بر قدرت سیاسی به دو شکل نظارت بیرونی و نظارت درونی امکان پذیر است که در لیبرال دموکراسی بیشتر بر نظارت بیرونی تاکید می شود و این در حالی است که در مردم سالاری دینی ضمن پذیرش نظارت بیرونی بر نظارت درونی تاکید بیشتری دارد

این پایان نامه به ابزارهای نظارت در لیبرال دموکراسی و مردم سالاری دینی (بررسی موردی ایران ۱۳۵۷-۱۳۹۷) پرداخته است. در مقابل مردم سالاری دینی که یک نظریه حکمرانی بدیع است با استفاده از شیوه های مورد نظر اسلام در رابطه با شرایط فرد یا افراد صاحب منصب حکومتی به مواردی همچون عدالت، وجدان، ایمان، امر به معروف و نهی از منکر و ... تاکید می کند اما این موارد در این شیوه های پیچیده حکمرانی امروزی به تنهایی کفایت نمی کند فلذا استفاده از تجربیات موفق لیبرال دموکراسی در نظارت بیرونی مانند تفکیک قوا، نظارت همگانی، آزادی های مدنی، رسانه های آزاد و ... سعی می نماید یک روش بدیع با حذف نقاط ضعف تفکر مقابل ارائه نماید. لیبرال دموکراسی با تجربه طولانی حکمرانی و آزمون خطا های پی در پی و کسب تجارب به یک بلوغ نسبی در کنترل قدرت سیاسی دست یافته است اما همچنان عدم توجه به نظارت های درونی در مدل حکومتی لیبرال دموکراسی مشهود است.

کلمات کلیدی: قدرت، لیبرال دموکراسی، مردم سالاری دینی، نظارت

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: کلیات.....
۱	۱-۱ بیان مسأله.....
۳	۱-۲ تبیین مفاهیم کلیدی بحث.....
۳	۱-۲-۱ نظارت.....
۴	۱-۲-۲ قدرت سیاسی.....
۵	۱-۲-۲ مردم سالاری دینی.....
۵	۱-۲-۳ شاخص.....
۵	۱-۳ نظام سیاسی و مسئله نظارت.....
۷	۱-۴ دموکراسی لیبرال.....
۹	۱-۵ مردم سالاری دینی.....
۹	۱-۵-۱ تبیین الگوی نظام سیاسی مردم سالاری دینی.....
۱۰	۱-۵-۲ نظارت در مردم سالاری دینی.....
۱۱	۱-۶ اهمیت پژوهش.....
۱۱	۱-۷ اهداف پژوهش.....
۱۲	۱-۸ سئوالات پژوهش.....
۱۲	۱-۹ پیشینه موضوع (داخلی و خارجی).....
۱۳	۱-۱۰ چهارچوب نظری.....
۱۳	۱-۱۱ مبانی فکری دموکراسی.....
۱۳	۱-۱۱-۱ لیبرالیسم یا آزادی خواهی.....
۱۴	۱-۱۱-۲ پراگماتیسم (pragmatisme).....
۱۴	۱-۱۱-۳ نسبی گرایی.....
۱۴	۱-۱۱-۴ اصلت قرارداد.....
۱۴	۱-۱۱-۵ اصلت رضایت و قبول.....
۱۴	۱-۱۱-۶ اصلت برابری مدنی.....

۱۴	۱-۱۱-۷ قانون و قانون‌گرایی
۱۵	۱-۱۱-۸ شهروندی
۱۵	۱-۱۱-۹ حاکمیت مردم
۱۵	۱-۱۱-۱۰ حقوق بشر
۱۵	۱-۱۲ پیش شرط‌های تحقق و موفقیت دموکراسی
۱۶	۱-۱۳ اصول مدل دموکراسی نخبه‌گرا عبارتند از
۱۷	۱-۱۴ مردم‌سالاری دینی
۱۸	۱-۱۵ فرضیه‌ها
۱۸	۱-۱۶ روش‌شناسی پژوهش
۱۹	فصل دوم، چارچوب نظری
۲۰	۲-۱ اسلام و مبانی مردم‌سالاری
۳۲	۲-۲ پیامدهای نظری
۳۳	۲-۳ پیوند دین و سیاست
۳۳	۲-۴ رابطه عقل و وحی
۳۳	۲-۵ آموزه‌های سیاسی متون دینی
۳۴	۲-۶ حقانیت الهی و عقلانیت مشورتی
۳۸	۲-۷ اجتماع مسئول
۳۸	۲-۸ مفهوم امانت
۳۹	۲-۹ حق و تکلیف
۴۰	۲-۱۰ چهارچوب نظری، لیبرال دموکراسی
۴۵	۲-۱۱ اندیشه‌های طرح تفکیک قوا در غرب
۴۶	۲-۱۱-۱ نظریه باستانی (ارسطو، ۳۸۶-۴۵۵ قبل از میلاد)
۴۶	۲-۱۱-۲ نظریات اندیشمندان جدید
۴۸	۲-۱۲ نظریات معاصرین
۴۹	۲-۱۳ تعریف و مفهوم دموکراسی
۵۱	۲-۱۴ رهیافت هستی‌شناختی به دموکراسی
۵۳	۲-۱۵ انواع دموکراسی کلاسیک

۵۳	۲-۱۶ اصول و عناصر دموکراسی.....
۵۴	۲-۱۷ نظریه های مختلف در باره دموکراسی.....
۵۶	۲-۱۸-۱ معیارهای سنجش دموکراسی واقعی از غیرواقعی.....
۵۷	۲-۱۸-۲ نقدهای دموکراسی.....
۵۷	۲-۱۹ تحولات و دگرگونیهای مفهومی سیاست و قدرت.....
۵۸	۲-۲۰ ظهور «امر سیاسی» در برابر «سیاست».....
۵۹	۲-۲۱ جمع بندی فصل دوم.....
۵۹	۲-۲۱-۱ مردم سالاری دینی.....
۶۰	۲-۲۱-۲ لیبرال دموکراسی.....
۶۳	فصل سوم: مردم سالاری دینی.....
۶۴	۳-۱ نظارت بر قدرت.....
۶۵	۳-۲ منظور ما از نظارت چیست؟.....
۶۵	۳-۳ مفهوم قدرت.....
۶۶	۳-۳-۱ قدرت سیاسی.....
۶۷	۳-۳-۲ قدرت اجرایی.....
۶۸	۳-۳-۳ قدرت قضایی.....
۷۰	۳-۵ کنترل قدرت.....
۷۲	۳-۶ اصطلاح قدرت در علوم سیاسی.....
۷۳	۳-۷ مهار قدرت.....
۷۵	۳-۸ روش های مهار قدرت.....
۷۵	۳-۹ مهار درونی قدرت.....
۷۵	۳-۱۰ ویژگی های مهار درونی قدرت.....
۷۶	۳-۱۰-۱ عوامل مهار درونی قدرت.....
۷۸	۳-۱۰-۳ انواع مهار بیرونی قدرت.....
۷۸	۳-۱۰-۴ مهار بیرونی جبری.....
۷۹	۳-۱۱ محدودیت منابع قدرت.....
۸۰	۳-۱۲ مهار بیرونی اختیاری.....

۱۳-۳	مراحل نظارت بر قدرت.....	۸۰
۱۳-۱-۳	نظارت در مرحله‌ی کسب قدرت.....	۸۰
۱۳-۲-۳	نظارت در مرحله‌ی اعمال قدرت.....	۸۱
۱۳-۳-۳	نظارت در مرحله‌ی گردش قدرت.....	۸۴
۱۴-۳	مکانیزمهای نظارت در قانون اساسی.....	۸۴
۱۴-۱-۳	نظارت از منبع الهی (درونی).....	۸۵
۱۴-۲-۳	نظارت از منبع قانونی (بیرونی).....	۸۵
۱۵-۳	اصالت و حاکمیت خداوند به عنوان مبانی تحدید قدرت دولت.....	۸۶
۱۶-۳	نظارت رسانه‌های جمعی.....	۸۸
۱۶-۱-۳	افکار عمومی و لزوم توجه به آن.....	۸۸
۱۷-۳	برخی از ویژگیهای افکار عمومی.....	۸۹
۱۷-۱-۳	توجه به افکار عمومی در اسلام.....	۹۰
۱۸-۳	حقوق متقابل مردم و حکومت.....	۹۱
۱۹-۳	تأملی در کار رسانه‌های جمعی کنونی.....	۹۲
۲۰-۳	نظارت عمومی و مردمی.....	۹۳
۲۱-۳	رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی.....	۹۴
۲۲-۳	ابزارهای مدل حکومتی مردم سالاری دینی در نظارت بر قدرت کدامند؟.....	۹۵
۲۳-۳	نظام نظارت در ساختار، حقوق اساسی و قوانین جمهوری اسلامی ایران.....	۹۵
۲۴-۳	نظارت مجلس خبرگان بر رهبر.....	۹۵
۲۵-۳	نظارت رهبر بر نهادهای خارج از قوای سه‌گانه.....	۹۶
۲۶-۳	نظارت مجلس بر قوه مجریه.....	۹۶
۲۷-۳	نظارت از طریق تحقیق و تفحص.....	۹۷
۲۸-۳	نظارت شورای نگهبان.....	۹۸
۲۹-۳	نظارت‌های مدنی.....	۹۹
۳۰-۳	تعریف مشارکت سیاسی، political participation.....	۹۹
۳۱-۳	چگونگی مشارکت در جوامع کنونی.....	۱۰۱
۳۲-۴	نتیجه‌گیری فصل سوم.....	۱۰۱

فصل چهارم: لیبرال دموکراسی.....	۱۰۴
۴-۱ سیری در مسئله نظارت بر قدرت سیاسی در اندیشه غرب.....	۱۰۵
۴-۱-۱ یونان باستان.....	۱۰۵
۴-۱-۲ زمینه های فکری اندیشه سیاسی غرب (در سده های اخیر).....	۱۰۸
۴-۲ مکانیسم های کنترل قدرت در لیبرال دموکراسی.....	۱۱۲
۴-۲-۱ اصالت و قانون طبیعت به عنوان مبانی تحدید رفتار دولت.....	۱۱۵
۴-۲-۳ اعلامیه ها و ضمانت های حقوق.....	۱۱۸
۴-۳ انواع دیگر تفکیک قدرت.....	۱۲۵
۴-۳-۲ -تفکیک قدرت کشوری از قدرت نظامی.....	۱۲۶
۴-۳-۳ -تفکیک حالت جنگ و صلح.....	۱۲۶
۴-۳-۴ -تفکیک قدرت و اقلیت مخالف.....	۱۲۶
۴-۴ تقسیم جغرافیایی قدرت.....	۱۲۶
۴-۴-۱ -عدم تمرکز اصولا دو نوع عدم تمرکز وجود دارد، اول - منطقه ای دوم- خدمتی،.....	۱۲۶
۴-۴-۲ -حکومت های محلی.....	۱۲۷
۴-۳-۳ -فدرالیسم.....	۱۲۸
۴-۴ -مسئولیت رهبران.....	۱۲۸
۴-۵ -توسعه فرهنگ عمومی و اقتصاد عمومی.....	۱۲۹
۴-۶ -نقش مطبوعات.....	۱۲۹
۴-۷ - نتیجه گیری فصل چهارم.....	۱۳۰
نتیجه گیری نهایی.....	۱۳۱
منابع.....	۱۳۵

فهرست جداول

- جدول ۱-۱ مردم سالاری دینی و دموکراسی لیبرال با توجه به شاخص نظارت عمومی و چهار مؤلفه نظام سیاسی، ----- ۶
- جدول ۱-۲ مقایسه پیش فرضهای فلسفی نظریه های مردم سالاری دینی امام و لیبرال دموکراسی ----- ۴۳
- جدول ۲-۲ مقایسه مولفه های سیاسی نظریه های مردم سالاری دینی از اسلام(منظر امام خمینی ره) و لیبرال دموکراسی ----- ۴۴

فصل اول: کلیات

۱-۱ بیان مساله

تفاوت ماهوی مردم سالاری دینی با الگوی دموکراسی لیبرال، لزوم بهره گیری از سبک زندگی و الگوهای اسلامی در ساحت های گوناگون حیات سیاسی و اجتماعی را امری موجه جلوه می دهد. فقدان الگوهای متناسب با ویژگی ها و مطلوبیت های نظام اسلامی به طور طبیعی، می تواند پیامدها و آسیب های ناگواری به همراه داشته باشد. تأمل در این نکته است که ضرورت برخورداری از تبیین، ابعاد مردم سالاری دینی را بیش از پیش روشن می سازد.

در تبیین مردم سالاری دینی مسئله نظارت عمومی از جمله مسائل مهمی است که نمی توان آن را نادیده گرفت. هدف پژوهش پیش رو تبیین شاخص های نظارت عمومی به مثابه مسئولیتی عام و اجتماعی با تأکید بر مبانی اندیشه اسلامی است.

پرسش اصلی پژوهش عبارت است از: نظارت عمومی در الگوی مردم سالاری دینی دارای چه ابعاد، مؤلفه ها و نماگرهایی است؟

با توجه به پرسش یادشده، نوشته حاضر در پی تبیین این امر است که در مردم سالاری دینی، آحاد افراد جامعه نسبت به جامعه خویش مسئولیت داشته و دارای وظایف و حقوقی اند که می باید به انجام برسانند، و مؤلفه هایی؛ همچون امر به معروف و نهی از منکر، و نهادهای مردمی روند نظارت بر جریانات اجتماعی و به ویژه نظارت بر قدرت را پی می گیرند.

بر این اساس، از جمله مشخصه های مردم سالاری دینی در اندیشه اسلامی، نظارت دقیق و مستمر از سوی عموم افراد جامعه است. در چنین جامعه ای، هیچ کس، در مقابل آنچه در محیط پیرامونش می گذرد «*تفاوت نخواهد بود*، و با پیوندی که با دیگر افراد شبکه گسترده اجتماعی برقرار می کند، و بر حسن روند امور جامعه و حرکت آن در جهت مقصد تعیین شده از سوی خداوند نظارت می کند. وجود خلل در هر یک از ابعاد نظارت می تواند در کارایی نظام حاکم در ایجاد بستر لازم در تحقق هدف نهایی و انجام وظایف محوله تأثیر غیر قابل جبرانی ایجاد

نماید. از این رو، آشنایی با مبانی و مؤلفه های جامعه از این منظر و بیان شاخص های آن می تواند الگویی برای حرکت به سوی جامعه آرمانی باشد.

پیش از بررسی شاخص های نظارت عمومی در دو الگوی مردم سالاری دینی و لیبرال دموکراسی، ضروری است به تعریف واژگان و چارچوب نظری اشاره ای کوتاه داشته باشیم،

۲-۱ تبیین مفاهیم کلیدی بحث

با توجه به عنوان موضوع بررسی مفهومی واژه های ذیل ضروری است،

۱-۲-۱ نظارت

نظارت در زبان لاتین، معادل Controle و به معنای رام کردن و تسلط یافتن آمده است. در زبان و فرهنگ لغت فارسی، به معنای نگرستن در چیزی با تأمل، چشم انداختن، حکومت کردن بین مردم و فیصله دادن دعوی ایشان، یاری دادن و مدد کردن و کمک کردن و نیز به معنای چشم، بصر، دیده، فکر، اندیشه، تفکر، رویه، دقت، تأمل، تدبیر، خیال، وهم، اعتراض، واری و تفتیش کردن آمده است (دهخدا، ۱۳۵۱، ج ۴۰، ۲۳۳). در خصوص معنای اصطلاحی، می توان به دیدگاه های متفاوتی اشاره کرد. از دیدگاه حقوقی، نظارت به معنای انطباق با قانون در جهت جلوگیری از انحراف در اجرای مقررات و قوانین است. در این دیدگاه، قانون گرایی و عمل بر اساس قوانین، از جمله ابزارهایی است که بر اساس آن، از بروز هرگونه تخلف در جامعه جلوگیری می شود.

می توان نتیجه گرفت که در حقوق، نظارت به معنای بررسی، ممیزی و ارزشیابی کارهای انجام شده یا در دست انجام، و انطباق آن با تصمیم های گرفته شده و قانون و مقررات در جهت جلوگیری از انحراف اجرایی است.

در دیدگاه مدیریتی، نظارت به معنای حصول اطمینان در انطباق عملکردها با اهداف و رسیدگی به اجرای فرامین است (دهخدا، ۱۳۵۱، ج ۴۰، ۳۶۱). به عبارت دیگر، در دیدگاه مدیریتی، نظارت فرایندی است در جهت حصول اطمینان از اینکه فعالیت های انجام شده با فعالیت های برنامه ریزی شده مطابقت دارد. در واقع، نظارت راه کاری برای مدیران در جهت مراقبت از اثربخشی فعالیت های برنامه ریزی و سازمان دهی شده است.

در جامعه شناسی، نظارت به مجموعه شیوه ها و تدابیر و وسایلی اطلاق می شود که یک جامعه یا یک گروه در راه تحقق هدفها و هدایت افرادش به رعایت قوانین، اصول، کارکردها، آداب، شعائر، مناسک و هنجارها و ارزشهای پذیرفته خود به کار میگیرد. با بررسی دیدگاه های ارائه شده در حوزه نظارت، می توان به معنایی مشترک دست یافت که وجه جامع معنایی اصطلاحی است. این معنای جامع حاصل نگرش صرف به ماهیت این عمل است. در پژوهش حاضر، مراد از نظارت عمومی در مباحث علوم سیاسی، کنترل و نظارت بر قدرت سیاسی است؛ یعنی کنترل قدرت سیاسی توسط مردم و نهادهای برخاسته از آن. از این رو، نظارت به مثابه مسئولیتی اجتماعی و همگانی تلقی شده است که حوزه و قلمرو معنایی مشخصی را دربر می گیرد.

نظارت عمومی به مثابه مسئولیتی اجتماعی، ناظر به مسئله پاسخ گویی است که برخاسته از آموزه هایی همچون کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیت است و به تعبیر شهید مطهری، در اسلام، خود مسئولیت با لفظ مسئولیت عنوان شده است. (مطهری، ۱۳۸۲، ۷۵).

ابعاد گوناگون نظارت را می توان چنین برشمرد،

الف. نظارت ساختاری که طی آن، هر یک از قوا و نهادهای حکومتی بر یکدیگر نظارت داشته، موجب تسهیل روند اعمال حاکمیت در جامعه می گردند.

ب. نظارت فردی و خودکنترلی درونی که در تربیت سیاسی و تأدب به آموزه های اسلامی است و هر چه بیشتر این ارزش ها در افراد نهادینه گردد بر روند اعمال قدرت نقش بیشتری دارد.

ج. نظارت بیرونی که آحاد جامعه بر حاکمان نظارت می کنند و می توان در مشارکت سیاسی، شرکت در انتخابات و برخی ساختارها آن را مشاهده کرد.

۲-۱-۲ قدرت سیاسی

مفهوم قدرت سیاسی از مهم ترین مفاهیم سیاسی است، به طوری که از آن به عنوان جوهر سیاست یاد می شود. قدرت (power) به مفهوم «توانایی تحمیل اراده یک فرد بر دیگران، حتی برخلاف میل آنها» اساساً یک مفهوم جامعه شناختی است که هم شامل قدرت فیزیکی و هم شامل قدرت سیاسی می شود و در یک وضعیت اجتماعی بروز می کند. قدرت سیاسی (political power) آن نوع از قدرتی است که یک فرد یا گروه در درون جامعه برای تأثیرگذاری و کنترل زندگی سایر افراد و گروهها دارا هستند. در عرصه سیاسی راههای گوناگونی برای بدست آوردن این نوع از قدرت وجود دارد. معروف ترین شیوه برای این که یک فرد از قدرت سیاسی برخوردار شود، این است که او رئیس سیاسی رسمی دولت اعم از رئیس جمهور، نخست وزیر، شاه یا امپراتور باشد. البته قدرت های سیاسی، محدود به سران دولتها نیست و حیطه آن به نفوذ اجتماعی فرد یا گروه دارنده قدرت نیز مرتبط است. به طور سنتی مهمترین عامل تشکیل دهنده و نگهدارنده قدرت سیاسی از طریق اعمال قدرت نظامی، جمع آوری ثروت و کسب دانش بوده است. قدرت سیاسی وقتی از مشروعیت اجتماعی برخوردار باشد، از آن به عنوان اقتدار یاد می شود. با این وجود در طول تاریخ نمونه های زیادی از سوءاستفاده دارندگان قدرت سیاسی از این نوع وجود داشته است. این موارد سوءاستفاده از قدرت در همه نظامها و بیشتر در نظام های سیاسی استبدادی و دیکتاتوری صورت می گیرد که قدرت در دست عده معدودی جمع شده و عوامل کنترل کننده آن همچون نقد و انتقاد عمومی و زمینه های بحث های سیاسی و سایر ابزارهای عمومی کنترل قدرت وجود ندارند، یا با محدودیت روبرو هستند. در طول تاریخ برای حل این مشکلات راه حل های مختلفی تجربه شده که بسیاری از آنها رفع این معضلات را در تقسیم قدرت، محدود کردن میزان قدرتی که یک فرد یا گروه می توانند داشته باشند و نیز اعطای حقوق حمایتی به افراد از طریق تصویب قوانین جستجو کرده اند. در همین مسیر نظریه بسیار معروف تفکیک قوا یعنی تقسیم قدرت سیاسی بین سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه ظهور کرد که امروزه مورد عمل قوانین اساسی تقریباً تمامی کشورهای جهان است. در نظام های سیاسی مردم سالار قدرت سیاسی از طریق انتخابات بین افراد،

گروهها و احزاب دست به دست می شود. به همین دلیل است که در جهان کنونی مهمترین هدف احزاب سیاسی بدست گرفتن قدرت سیاسی برای رهبران و اعضای خود است (فارس، ۱۳۸۸، ۱).

۲-۲-۱ مردم سالاری دینی

این واژه مرکب از دو واژه مردم سالاری و دینی است. مردم سالاری دینی الگویی از حاکمیت است که بر مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی استوار بوده و حاکم در چارچوب مقررات الهی، حق مداری، خدمت محوری و ایجاد بستری برای رشد و تعالی مادی و معنوی ایفای نقش می کند (مصباح و نوروزی، ۱۳۸۹، ۵۳). بر اساس تعریف یاد شده،

مردم سالاری دینی به معنای ترکیب دین و مردم سالاری نیست، بلکه یک حقیقت در جوهره نظام اسلامی است؛ چراکه اگر نظامی بخواهد بر مبنای دین عمل کند بدون مردم نمی شود، ضمن آنکه تحقق حکومت مردم سالاری واقعی هم بدون دین امکان پذیر نیست (آیت الله خامنه ای، ۱۳ دی ۱۳۷۹).

با توجه به آنچه گفته شد، مردم سالاری دینی برگرفته از الگوهای غربی نیست و دین را مجموعه معارفی دانسته اند که از جانب خداوند و از سوی پیامبران نازل شده و در بردارنده سه محور اساسی عقاید و باورها، اخلاق، و احکام است.

بر مبنای آنچه گفته شد، مردم سالاری دینی مقید به دین و ارزش های اسلامی است و در جامعه ای که مردم آن جامعه به خدا اعتقاد دارند حکومت بر مدار حاکمیت مکتب و شریعت اسلامی است (مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲، ج ۶، ۳۰۰).

دموکراسی نیز الگویی از حاکمیت سیاسی است که بر اصولی همچون کثرت گرایی سیاسی، حاکمیت مردمی (مشروعیت)، برابری، و آزادی استوار است. برخی با گنجاندن این اصول در تعریف دموکراسی، آن را اینگونه تعریف کرده اند، دموکراسی عبارت از شکلی از حکومت است که مطابق با اصول حاکمیت مردم، برابری سیاسی، مشورت با همه مردم و حکومت اکثریت سازمان یافته است (رنی، ۱۳۸، ۱۳۷۴).

۳-۲-۱ شاخص

شاخص ها ترکیبی از نشانه ها، علایم و نماگرهایی هستند که برای ارائه تصویری از وضع موجود و تغییرهای آتی یک پدیده به کار برده می شوند. شاخص ابزاری برای ارزیابی سیاست ها به شمار می رود. در جامعه اسلامی، می توان شاخص ها را به مدد متون فقهی و منابع اسلامی، از جمله قرآن کریم، احادیث و منابع علمی ارائه کرد. شاخص رصد رفتارهای بیرونی است که باید با توجه به شرایط متنوع، واقع نمایی داشته باشد.

۳-۱ نظام سیاسی و مسئله نظارت

در هر نظام سیاسی، چهار مؤلفه ایده (بعد ماهوی و ارزشی)، رهبری، ساختار، و مردم (شهروندان) وجود دارد و نماگرهای نظارت با توجه به آنها سامان می یابد. هدف اصلی این پژوهش تبیین مؤلفه ها و نماگرهای اساسی

شاخص نظارت عمومی در مردم سالاری دینی بوده و ضروری است پرسش های ذیل با توجه به مؤلفه هایی که ذکر شد بررسی شوند،

- آموزه حاکمیتی و مشروعیت در اندیشه اسلامی، چه تبیینی برای نظارت عمومی ارائه تعریف می کند؟ و آیا در این آموزه، نظارت عمومی تجویز شده است؟ مؤلفه ها و نماگرهای این امر کدامند؟

- رهبری در نظام سیاسی اسلام، به عنوان اسوه و الگو، تا چه میزان نسبت به نظارت عمومی اهتمام دارد؟ مؤلفه ها و نماگرهایی که گویای الگو دهی رهبری از نظر شخصیت حقوقی و در مقام عمل، از نظر شخصیت حقیقی نسبت به امر نظارت عمومی است، کدام هاست؟

- ظرفیت ساختار نظام سیاسی اسلام در امر نظارت عمومی شهروندان تا چه میزان است، و در قیاس با دیگر ساختارهای نظام های سیاسی، به ویژه لیبرال - دموکراسی، از چه امتیازهایی برخوردار است؟ مؤلفه ها و نماگرهای این امر کدام است؟

- مؤلفه ها و نماگرهای نظارت عمومی مردم در ساحت بینش، منش و کنش (عمل و رفتار) کدام ها است؟

بر اساس چارچوب نظری مزبور، این پژوهش به چهار محور اصلی تقسیم می شود که عبارت است از : ایده مشروعیت و مسئله نظارت؛ رهبری؛ ساختار؛ مردم (رفتار در سه ساحت بینش، کنش، و منش)

جدول ۱-۱ مردم سالاری دینی و دموکراسی لیبرال با توجه به شاخص نظارت عمومی و چهار مؤلفه نظام

سیاسی،

ردیف	محور مقایسه	مردم سالاری دینی	دموکراسی لیبرال
۱	مشروعیت	خواست خداوند(ابتناء بر دیدگاه فقها)	عامه مردم
۲	رهبری	صالح ترین و متعبدترین در برابر قانون الهی	خوی استکباری
۳	ساختار	مبتنی بر قانون الهی	قانون بشری و از سوی عامه بشر
۴	مردم	امت و رسمیت داشتن خواص و تشکل ها	مردم در قالب ساختار حزبی

بعد ماهوی و ارزشی حاکمیت دینی و مسئله نظارت

ارزیابی، کنترل و نظارت در نظام های سیاسی، از دیرباز تا به امروز مطرح بوده است. صاحبان قدرت در گذر تاریخ، همواره از قدرت سوء استفاده قرار کرده اند. این امر موجب شده است در نظام های سیاسی و همچنین در آموزه های دینی و اندیشه های سیاسی مبتنی بر آن، ساز و کارهایی برای نظارت بر قدرت تدوین گردد. اگر در اندیشه غرب معاصر تفکیک قوا مهم ترین ساز و کار ساختاری در جهت نظارت بر قدرت و پیشگیری از فساد مطمح نظر قرار گرفته است، در اندیشه اسلامی، چون دغدغه هدایت و خوش بختی بشریت وجود دارد، به طور

طبیعی، ساز و کارهای اساسی تری برای کنترل قدرت مد نظر بوده است که نظارت عمومی تنها یکی از آن سازوکارها قلمداد می گردد.

در تبیین مسئله نظارت عمومی، توجه به این نکته ضروری است که یکی از وجوه تمایز حکومت ها نسبت به یکدیگر، در خاستگاه و جهان بینی فکری آنها است که موجب تفاوت نوع نگاه به مسئله نظارت می شود. بر اساس نوع جهان بینی است که الگو حکومت، کارکرد و الگوی رفتاری آن طراحی می گردد. این امر می تواند به عنوان معیاری در سنجش و ارزیابی کارآمدی حکومت ها در چگونگی ایفای نقش تعیین شده نیز به شمار آید. از این رو، شناخت خاستگاه اندیشه ای و جهان بینی حاکم بر نظام سیاسی تبیین کننده ماهیت اصلی حکومت و نیز کارکرد نظارتی آن است. در مجموع، می توان به دو جهان بینی کلان الهی و مادی اشاره کرد که تفاوت ماهوی آنها را می توان در ماهیت اصلی حکومت و نقش و کارکرد آن به روشنی یافت.

اگر نظام های سیاسی را با توجه به ایدئولوژی، که پشتوانه نظری نظام سیاسی است در نظر بگیریم، می توان به مقایسه دو الگوی نظام سیاسی در دو جهان بینی الهی و مادی اشاره کرد. اختلاف میان دو جهان بینی مادی و الهی در دو ساحت تشخیص کمال مطلوب انسان، و راه نیل به کمال مطلوب قابل ترسیم است. در جهان بینی الهی، کمال و سعادت نهایی انسان تعالی روح و بعد معنوی اوست که با نزدیکی به خداوند متعال و رسیدن به مقام رفیع عبودیت به دست می آید. اما بر اساس نگرش مادی، کمال نهایی انسانی ارضای خواسته های مادی است؛ یعنی،

۱. در جهان بینی الهی، کمال نهایی انسان به روح و جنبه غیرمادی اش مرتبط است؛ ولی در جهان بینی مادی، کمال نهایی انسان در قلمرو غرایز حیوانی و جنبه مادی اش تحقق می یابد؛

۲. در جهان بینی الهی، کمال نهایی انسان، آخرتی و فرامادی است؛ ولی در جهان بینی مادی، امری مربوط به جهان مادی شمرده می شود.

در جهان بینی مادی، جلب حداکثری منافع مادی به عنوان هدف نهایی شناخته شده و حکومت به عنوان ابزاری در جهت ایجاد آن شکل گرفته است. کارویژه حکومت در دستیابی به هدف مزبور، تنظیم امور اجتماعی و رفع تراحم ایجاد شده میان نیازها و منافع انسان در جامعه است. ایجاد امنیت دغدغه اصلی حکومت در جهان بینی مادی است که با وجود رقابت شدید در کسب منافع مادی میان افراد در جامعه مورد تهدید واقع می شود (نوروزی، ۱۳۸۹، ۵-۶)

۴-۱ دموکراسی لیبرال

در اندیشه مادی، نظارت عاملی بازدارنده است که از خارج شدن قدرت از کنترل جلوگیری می کند و به عنوان اهرم و ابزاری در جهت حرکت قدرت در مسیر تعیین شده به شمار می آید. نظارت به عنوان در جهت کنترل قدرت مبتنی بر اندیشه اومانیستی است که بر اساس آن، محور عالم انسان و امیال اوست و خط مشی های حکومت بر اساس امیال و منافع او ترسیم می شود. در اندیشه سیاسی غرب، موضوع نظارت نهادی و حکومتی

پس از ظهور دولت های نوین غالب گردید؛ یعنی نظارت های اجتماعی مترادف با برخورد های حقوقی و قانونی و عمدتاً جرم شناسانه بود. از این رو، در زمینه نظارت های حکومتی، ادبیات گسترده ای بسط یافت. امروزه و در عصر جهانی شدن، ادبیات نظارت در علوم انسانی متحول و مشخص گردیده و مردم هم می توانند همانند گذشته و در جامعه ابتدایی و اولیه، نظارت های اثربخش تری اعمال نمایند. ضرورت باز تعریف مسئله نظارت اجتماعی و ضرورت نظارت های اجتماعی از طریق بسط سیطره عمومی در کنار نظارت نهادهای رسمی حکومتی و نظارت های سازمانی امری مهم در اندیشه سیاسی غرب است (خلف خانی، ۱۳۸۷، ۷۲).

مفاد کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد طی قطع نامه ۲۰۰۰ از ویژگی هایی همچون شفافیت، مسئولیت، پاسخ گویی، مشارکت، حاکمیت قانون و انعطاف پذیری در توصیف حکم رانی خوب سخن گفت. بر این اساس، موارد مزبور با اعمال نظارت عمومی در ساحت ساختار سیاسی به خوبی زمینه تحقق و عینیت یافته است. امروزه در اندیشه غربی، نظارت و تعادل از جمله شاخص های حکم رانی خوب است و در سپتامبر ۲۰۰۰ م کمیته مشورتی سازمان ملل متحد جدولی از شاخص های سیاسی به منظور همکاری با سازمان ملل متحد معین نمود. به دنبال آن، مجمع عمومی در قطع نامه ای، که به اعلامیه هزاره مشهور شد، با عنوان حقوق بشر، دموکراسی و حکم رانی خوب، شاخص هایی را در این زمینه اعلام کرد. از آن پس، مفهوم حکم رانی خوب مطرح گردید. بر این اساس، دیوید بیتهم مدعی است هرم دموکراسی از چهار مفهوم برساخته شده است،

۱. دولت شفاف و پاسخ گو؛ ۲. جامعه مدنی؛ ۳. حقوق مدنی و سیاسی؛ ۴. انتخابات آزاد و عادلانه.

همان گونه که مشاهده می شود، مهم ترین مفهوم در دیدگاه مزبور، مسئله نظارت است. از این رو، در جهان کنونی با وجود تمام ویژگی ها و شرایط، نمی توان منکر نقش نظارت عمومی شد و مبارزه با فساد اقتصادی یا فساد سیاسی و سایر فسادها بدون نظارت عمومی امکان پذیر نیست؛ یعنی بدون نظارت همگانی، هیچ کس نمی تواند مدعی توفیق در مبارزه با فساد باشد.

در اندیشه غربی، نظریه تفکیک قوا یکی از ابزارهای مهم مهار قدرت است که از مسائل اساسی و مهم فلسفه سیاسی قلمداد شده که از دیرباز مطرح بوده است. نبود کنترل قدرت، آدمی را به فساد و تباهی سوق داد، و موجب تضییع حقوق دیگران میشود. از اینرو، فارغ از اینکه قدرت به چه کس و با چه شرایطی تعلق گیرد، امروزه در بیشتر کشورها بر کنترل نهادهای مردمی بر حکومت و حاکمان تأکید فراوان میشود. اهمیت مسئله نظارت در نظام های سیاسی موجب شده است نظریه های گوناگونی برای نظارت و کنترل در حوزه نهادها و سازمان ها در حقوق اساسی و فلسفه سیاسی پیش بینی شود. در اندیشه سیاسی غرب، در دو حوزه فلسفه سیاسی و فلسفه حقوق، به این مسئله به صورت جدی توجه شده است. در ساحت فلسفه سیاسی، این مسئله در چارچوب نظریه قرارداد اجتماعی، که طی آن، مردم دارای حقوق بوده و قدرت حاکم محدود در نظر گرفته شده است، تصویر می گردد. در فلسفه حقوق، مسئله تفکیک قوا مطرح است و تلاش می گردد در ساختار حقوقی تمهیداتی برای کنترل قدرت اندیشیده شود.

حاکمیت در جهان بینی مادی با توجه به نقش محوری انسان نشئت گرفته از انسان است. حق حکم رانی بر افراد دیگر و مشروعیت آن نیز به انسان باز می گردد. در این جهان بینی، حاکمیت در دو چارچوب استبدادی و